

حمله سمت چپ شیطان با تشویق انسان به انجام گناه

شیطان چگونه ما را به انجام گناه تشویق می‌کند؟

مراقب باشید! دشمن قسم خورده‌ای در کمین شماست!

تابه‌حال چند بار در دام شیطان و وسوسه‌هایش گرفتار شده‌اید؟

به نظرتان شیطان از چه راهی ما را به انجام گناه تشویق می‌کند؟

آیا وجود شیطان به نفع ماست، یا به ضررمان؟

آیا می‌توانیم از حملات شیطان به نفع خودمان بهره ببریم؟

خداوند تمام جهان را بر اساس ریاضیات وجود انسان و برای تکامل او خلق کرده؛ یعنی ابتدا نیازهای انسان برای رشد و تکامل را سنجیده، سپس با توجه به این نیازها مخلوقات دیگر را آفریده است. از این‌رو، هر چیزی در این عالم، حتی چیزهایی که در ظاهر مصیبت و بلا به نظر می‌رسند، به مثابه نعمتی عظیم‌اند، که ما را در رسیدن به هدف خلقت و نزدیکی به خدا یاری می‌کنند. شیطان هم یکی از همین نعمت‌هاست.

برای کسانی که به خودشناسی نرسیده‌اند و از هدف خلقت خود و علت حضورشان در این دنیا آگاهی ندارند، نام بردن از شیطان به‌عنوان نعمتی از نعمت‌های خدا، کمی عجیب و سؤال‌برانگیز است. اما برای ما و شما، که از ابتدای مدرسه انسان‌شناسی همراه هم بوده و مباحث را به‌صورت پیوسته دنبال کرده‌ایم، طرح این موضوع نباید چندان عجیب باشد؛ زیرا ما می‌دانیم که دنیا باشگاه انسان‌سازی است و باشگاه بدون حریف تمرینی معنا ندارد. باید حریفی باشد که دائماً با ما رودررو شود، به نقاط ضعف‌مان حمله کند و حتی به زمین‌مان بزند، اگر حریف نباشد چگونه می‌خواهیم نقاط ضعف‌مان را تشخیص دهیم و برطرف‌شان کنیم؟ از این نظر، وجود شیطان واقعاً نعمت بزرگی است و دست و پنجه نرم کردن با او، ما را روزبه‌روز قوی‌تر

می‌کند؛ البته به شرطی که نوع حملاتش را بشناسیم و خود را برای مقابله با آنها تجهیز کنیم. آگاهی از نوع حملات شیطان بزرگ‌ترین برگ برنده ما در مقابله با اوست. این‌جاست که می‌توانیم از حمله‌های شیطان به نفع خودمان بهره ببریم.

در این مقاله درباره یکی از رایج‌ترین حملات شیطان به نام حمله سمت چپ صحبت می‌کنیم. در این نوع حمله، شیطان به طرز ماهرانه و ظریفی، ما را به شکستن حدود الهی و انجام گناه دعوت می‌کند.

شیطان چگونه ما را به دام می‌اندازد؟

هر زمان که تصمیم می‌گیریم سبک زندگی‌مان را اصلاح کنیم و در مسیر تقرب به خدا گام برداریم، باید منتظر حمله‌های بی‌وقفه شیطان نیز باشیم؛ چون همان‌طور که قبلاً گفتیم، شیطان فقط به کسانی حمله می‌کند که در صراط مستقیم‌اند و کسی که در صراط مستقیم نباشد، خودش بنده و برده شیطان و عامل انحراف دیگران است و دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد.

رابطه ما با شیطان و اصحابش، شبیه رابطه یک بندباز با بعضی از تماشاچیان است. بندباز دائماً تلاش می‌کند از حواشی دوری کرده و تمرکزش را برای ادامه مسیر روی بند حفظ کند، اما بعضی از تماشاچیان سعی می‌کنند با شکلک درآوردن و ایجاد سروصداهای بیهوده، تمرکز او را به هم زده و از تماشای سقوطش لذت ببرند! شیطان و اصحابش دقیقاً چنین کاری را با ما انجام می‌دهند، اما شیطان چگونه ما را به انجام گناه ترغیب می‌کند؟

شیطان روانشناس فوق‌العاده‌ای است و ما و نقطه ضعف‌هایمان را بهتر از خودمان می‌شناسد؛ در نتیجه نوع حمله‌هایش نسبت به هرکس، دقیقاً متناسب با اعتقادات و خلیات آن شخص است. برای نمونه،

شیطان هیچ‌گاه به فردی که پایبند به نماز، حجاب و سایر واجبات الهی است، پیشنهاد ترک کامل نماز یا کنار گذاشتن کامل حجاب را نمی‌دهد. چون می‌داند بی‌فایده است و امکان ندارد فرد از چنین وسوسه‌ای تبعیت کند. پس قدم به قدم و چراغ خاموش جلو می‌رود و کاری می‌کند که ابتدا حدود الهی در نظر شخص کم اهمیت جلوه کند و نسبت به انجام آن‌ها، سست و کاهل شود و پس از آنکه از به ثمر رسیدن قدم‌های اول مطمئن شد، قدم نهایی را برمی‌دارد و فرد را به کلی از صراط مستقیم منحرف می‌کند.

شیطان اغلب اوقات دست روی نقاط ضعف ما می‌گذارد و با استفاده از نقطه ضعف‌های اخلاقی و شخصیتی ما را به مسیری که می‌خواهد، هدایت می‌کند؛ مثلاً شخص تنبل را وسوسه می‌کند که نماز اول وقت را فقط چند دقیقه به تأخیر بیندازد، اما این وسوسه را هر روز ادامه می‌دهد؛ تا جایی که نماز اول وقت بعد از مدتی، به آخر وقت موکول می‌شود. پس از آن که در این هدف موفق شد، کم‌کم فلسفه نماز را زیر سؤال می‌برد و با طرح شبهه‌هایی از این قبیل که «چرا تعداد رکعات نماز فلان قدر است، چرا باید نماز را عربی بخوانیم، چرا باید در نماز حجاب داشته باشیم، چرا باید این‌گونه وضو بگیریم، این دستورات مال گذشتگان بوده و در عصر تکنولوژی کارایی ندارد» و... تیر خلاص را می‌زند و همان نماز آخر وقت را هم از شخص می‌گیرد. با همین شیوه نیز سراغ سایر احکام می‌رود، حدودی را که خدا برای رعایت آن‌ها مشخص کرده زیر سؤال می‌برد و افراد را به شکستن حدود و انجام گناه وامی‌دارد.

البته ترغیب شیطان به انجام گناه، تنها محدود به شکستن حرمت واجبات و ارتکاب فحش‌های ظاهری نیست. فحش‌های باطنی و قلبی هم یکی از کمین‌گاه‌های اصلی شیطانند. اتفاقاً جهنم فحش‌های باطنی مثل غیبت، حسادت، تکبر، بدگمانی، ریا، کینه و امثال این‌ها بسیار شدیدتر و دردناک‌تر از فحش‌های ظاهری است؛ چون با اینکه بی‌واسطه روی قلب اثر می‌گذارند و آن را از حالت تعادل خارج می‌کنند، پنهان و پوشیده هستند و ممکن است تا زمان انتقال به عالم آخرت هم متوجه وجود آن‌ها در درون خود نشویم.

انجام گناه و ارتباط آن با تغذیه ابعاد وجودی

در کنار نقطه‌ضعف‌های اخلاقی و شخصیتی که زمینه را برای حملات شیطان و انجام گناه فراهم می‌کنند، عدم تعادل در تغذیه قوای نفس نیز نقش قابل‌توجهی در این زمینه دارد و اتفاقاً یکی از نقاط حساسی که شیطان دست روی آن می‌گذارد، همین عدم تعادل در تغذیه قوای نفس است.

خداوند با شناخت دقیقی که از ساختار نفس ما دارد، برای تغذیه هر یک از قوای نفس‌مان حدودی را در قالب احکام و دستورالعمل‌های دینی مشخص کرده که رعایت آن‌ها تعادل را در نفس برقرار می‌کند. وقتی ما این حدود را زیر پا می‌گذاریم و به یک یا چند بخش از قوای نفس‌مان بیش از مقدار نیاز خوراک می‌دهیم، این تعادل به هم می‌خورد و همین بهم ریختگی دستاویز مناسبی را برای حمله شیطان فراهم می‌کند. به همین علت خیلی از کارهای ما، اگرچه فی‌نفسه گناه نیستند، اما زمینه‌ساز انواع گناهانند.

به عنوان نمونه، پرخوری و بی‌تحركی که به بخش حسی ما مربوطند، هیچ‌کدام گناه نیستند؛ اما با ایجاد سستی و بی‌حالی در بدن، زمینه کوتاهی در انجام واجبات را فراهم می‌کنند، یا مثلاً تماشای زیاد فیلم و سریال، به شرطی که حاوی صحنه‌های نامناسب نباشد، به خودی خود گناه محسوب نمی‌شود، اما آن قدر بخش‌های خیالی و توهمی ما را قوی می‌کند، که به تدریج بر فوق‌عقل غالب می‌شوند و همین نقطه‌ضعف، بستر مناسبی را برای سوءاستفاده شیطان ایجاد می‌کند. به دلیل اهمیتی که رعایت تعادل در تغذیه قوای نفس دارد، در مقاله‌ای جداگانه به‌طور مبسوط به آن خواهیم پرداخت.

در این درس به حمله سمت چپ شیطان از طریق تشویق به انجام گناه پرداختیم و از برخی سیاست‌های شیطان در به گناه انداختن افراد، آگاه شدیم، اما سؤال مهم‌تری ایجاد شد و آن این است که اصلاً گناه چیست و از منظر قواعد انسان‌شناسی و ریاضیات خلقت گناه چگونه تعریف می‌شود؟ به این سؤال مهم در درس‌های بعدی پاسخ خواهیم داد.